

لرد چانسلر و قاضی القضاة مقامات عالی قضایی انگلستان و اسلام

احسان سامانی^۱

چکیده:

لرد چانسلر (و یا لرد چانسلر اعظم در بریتانیای بزرگ)، بالاترین و مهمترین مأمور در دولت بریتانیا می باشد. ایشان دارای دومین مقام، در بین مقامات عالی رتبهی دولت می باشد. لرد چانسلر بالاترین مقام پس از لرد مباشر اعظم می باشد و به وسیله پادشاه (ملکه) و با پیشنهاد نخست وزیر منصوب می شود.

قبل از اتحاد انگلیس، انگلستان (که شامل ولز نیز بود) و اسکاتلند هرکدام، لرد چانسلر جداگانه ای داشتند. لرد چانسلر هم یکی از اعضای هیئت دولت می باشد و هم طبق مقررات عهده دار کارآمدی و استقلال دادگاهها است. البته ایشان قبلاً رئیس مجلس اعیان و رئیس قوه قضائیه در انگلستان و ولز نیز بود. اما قانون اصلاحات اساسی ۲۰۰۵ این مسئولیتها را به ترتیب به لرد سخنگو و رئیس کل محکمه استیناف واگذار نمود. لرد چانسلر حال حاضر، کریس گریلینگ است، ایشان وزیر دادگستری نیز می باشد.

در انگلستان لرد چانسلر در حوزه های قانونگذاری، اجرایی، قضایی و همچنین

^۱ دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه عدالت، سطح چهار حوزه

امور مربوط به کلیسا از اختیارات گسترده ای برخوردار بوده است اما در قرن ۲۱ متأثر از ایده منتسکیو در خصوص تفکیک قوا و به دنبال تصویب قانون اصلاحات اساسی ۲۰۰۵ اختیارات او محدود شد.

در اسلام نیز اگرچه در ابتدا قضاوت از شؤون حاکم به حساب می آمد و پیامبر خدا (ص) نیز شخصاً قضاوت می کرد اما کم کم به جهت توسعه قلمرو حکومت اسلامی و عدم فرصت کافی برای انجام همه کارها توسط حاکم، استقلال قوه قضائیه از مجریه صورت گرفت و در دوره عباسیان منصب قاضی القضات بنیاد نهاده شد و اختیارات ویژه ی قضایی و غیر قضایی به ایشان اعطاء شد و همچنین از تشکیلات دیوانی برخوردار شد. پس از انقلاب اسلامی نیز با در نظر گرفتن شرایط ویژه همچون اجتهاد برای تصدی به این مقام و استقلال آن از دیگر قوا و همچنین برخورداری از اختیارات ویژه، بر جایگاه و موقعیت آن افزوده شد.

واژگان کلیدی: لرد چانسلر، قاضی القضات، اقاضی القضات، دیوان بیگی،

موبدان موبد.

لرد چانسلر

مقدمه

لرد چانسلر (و یا لرد چانسلر اعظم^۱ در بریتانیای بزرگ)، بالاترین و مهمترین مأمور در دولت بریتانیا می باشد. ایشان دارای دومین مقام، در بین مقامات عالی رتبهی دولت می باشد. لرد چانسلر بالاترین مقام پس از لرد مباشر اعظم^۲ می باشد و به وسیله پادشاه (ملکه) و با پیشنهاد نخست وزیر منصوب می شود. قبل از اتحاد انگلیس، انگلستان (که شامل ولز نیز بود) و اسکاتلند هرکدام، لرد چانسلر جداگانه ای داشتند. لرد چانسلر هم یکی از اعضای هیئت دولت می باشد و هم طبق مقررات عهده دار کارآمدی و استقلال دادگاهها است. البته ایشان قبلاً رئیس مجلس اعیان و رئیس قوه قضائیه در انگلستان و ولز نیز بود. اما قانون اصلاحات اساسی ۲۰۰۵ این مسئولیتها را به ترتیب به لرد سخنگو^۳ و رئیس کل محکمه استیناف^۴ واگذار نمود. لرد چانسلر حال حاضر، کریس گریلینگ^۵ است، ایشان وزیر دادگستری^۶ نیز می باشد. یکی از مسئولیتهای لرد چانسلرها این است که مهرداد سلطنتی نیز می باشند. همچنین ممکن است به جای لرد چانسلر، یک لرد نگهدار مهر سلطنتی^۷ منصوب شود. البته این دو مقام (لرد چانسلر و لرد نگهدار مهر سلطنتی) دقیقاً مستلزم وظایف یکسانی هستند و تنها تمایز آنها در نحوه انتصاب آنان است. همچنین مسئولیت لرد چانسلر ممکن است به وسیله هیئتی از اشخاص تحت عنوان لرد کمیسیونرهای مهرداد سلطنتی^۸،

1 Lord High Chancellor

2 Lord High Steward

3 Lord Speaker

4 Lord Chief Justice

5 Chris Grayling

6 Secretary of State for Justice

7 Lord Keeper of the Great Seal

8 Lords Commissioners of the Great Seal

انجام شود، که این حالت معمولاً در صورتی پیش می آید که بین استعفاء و برکناری یک چانسلر و انتخاب چانسلر بعدی که جایگزین آن است، فاصله و تأخیر بیفتد. در این حالت گفته شده که مهر نزد این کمیسیون قرار داده می شود.

به هر حال از قرن ۱۹ به بعد تنها لرد چانسلرها منصوب شده اند و دیگر منصب ها، کنار گذاشته شده است.

مبحث نخست: تاریخچه

مقام لرد چانسلری ممکن است خاستگاه و سرچشمه آن به حکومت سلطنتی کارولنژی^۱ برگردد که در آن یک لرد چانسلر، مهرداد پادشاه بود. در انگلستان تاریخچه این شغل، حداقل به زمان تسخیر انگلستان توسط نورمانها (۱۰۶۶م) و یا قبل از آن بر می گردد. برخی گفته اند نخستین چانسلر انگلستان در سال ۶۰۵م تحت عنوان آنگمندوز^۲، تحقق یافت. منابع دیگری اظهار داشتند که اولین کسی که چانسلر منصوب نمود، ادوارد کنفسور^۳ (۱۰۴۲-۱۰۶۶) بود، ایشان گفت به جای اینکه خودم شخصاً اسناد را امضا نمایم، باید شخصی برای امضا نمودن اسناد منصوب شود. یکی از منشی های ادوارد به نام ریجن بالد^۴، در برخی اسناد حکومت ادوارد، چانسلر نامیده شد. عموماً این منصب به صورت مستمر از زمان تسخیر انگلیس توسط نورمنها وجود داشته است. چانسلر رئیس دفتر اسناد (منصب کتابت)^۵، و یا رئیس دادگاه چانسلری^۶ بود.

قبلاً لرد چانسلر تقریباً همیشه یک کشیش بود. چرا که در دوره قرون وسطی روحانیون از جمله معدود افراد با سواد یک کشور بودند. لرد چانسلر وظایف و

1 Carolingian monarchy

2 Angmendus

3 Edward the Confessor

4 Regenbald

5 writing office

6 chancery

مأموریت‌های متعددی را انجام می داد. ایشان مهرداد سلطنتی، رئیس کشیشان سلطنتی و همچنین مشاور و راهنما در امور روحانی و مادی نیز بودند. تنها قاضی عالی رتبه دادگاه‌های عالی^۱ (که الان منسوخ شده)، از ایشان بالاتر بود.

آقای توماس مور^۲ یکی از مشهورترین لرد چانسلرهای پیشین، در حکومت هنری هشتم^۳ خدمت و اعمال وظیفه می کرد. علاوه بر اینکه لرد چانسلر یکی از وزرای پادشاه بودند، نظارت بر شورای سلطنتی یا دادگاه شاهی^۴ نیز داشتند.

چنانچه لرد چانسلری که حکم احضاریه^۵ را دریافت نموده، یک اسقف^۶ یا یک کشیش درجه پایین تر^۷ و یا یک فرد عادی و غیر روحانی باشد^۸، بدون احضار و فراخواندن فرد، به آن رسیدگی می کرد.

شورای سلطنتی^۹ بعداً به پارلمان^{۱۰} تبدیل شد و لرد چانسلر، سخنگوی^{۱۱} این مجلس اعیان (لردها) قرار گرفت.

همانگونه که به وسیله قوانین مصوب در دوره سلطنت هنری هشتم نیز تأیید می شود، یک لرد چانسلر حتی اگر خودش لرد نمی بود، می توانست ریاست مجلس اعیان^{۱۲} را در دست داشته باشد.

1 Justiciar

2 Thomas More

3 Henry VIII

4 Curia Regis, or Royal Court

5 writ of summons

6 bishop

7 ecclesiastic of a lower degree

8 layman

9 Curia Regis

10 Parliament

11 prolocutor

12 House of Lords

وظایف قضایی لرد چانسلر همچنین شامل می‌شد همه نقش ایشان را در شورای شاهی^۱. دادخواهی از خواسته و حق معمولاً از پادشاه و مجلس مطالبه می‌شد. اما در سال ۱۲۸۰ ادوارد یکم به قضات خود دستور داد که خودشان به عنوان قضات دادگاه شعبه شاهی^۲ به دادخواست‌ها رسیدگی کنند. البته دادخواست‌های مهم^۳ باید برای اتخاذ تصمیم نزد لرد چانسلر فرستاده می‌شد، همچنین دادخواست‌های بسیار پر اهمیت و مهم باید مورد توجه و نظارت پادشاه نیز قرار می‌گرفت. با سلطنت و حاکمیت ادوارد سوم، این وظایف چانسلری، به یک دیوان محاکمات مستقلی^۴ برای لرد چانسلر توسعه داده شد. در این بخش که معروف شد به دادگاه عالی چانسلری^۵، لرد چانسلر (به جای صدور رأی بر اساس اصول سخت و دقیق کامن لا) بر اساس انصاف^۶ در خصوص پرونده‌ها رأی صادر می‌نمود.

لرد چانسلر همچنین به حافظ وجدان شاه^۷ نیز معروف شد. ریاست کشیش به عنوان صدر اعظم^۸ و مهرداد سلطنتی تا قرن ۱۶ ادامه داشت. در سال ۱۵۲۹ بعد از کاردینال توماس وُلسی^۹ (هم لرد چانسلر بودند و هم اسقف اعظم شهر یورک - در شمال انگلیس-)، که به خاطر قصور در تهیه و تدارک ابطال و فسخ نخستین ازدواج هنری هشتم عزل شد، شخص غیر روحانی برای به عهده گرفتن این منصب بیشتر مورد توجه قرار گرفت. البته برای دوره کوتاهی در دوره حکومت «ماری یکم»^{۱۰}، کشیش به این منصب بر

1 Curia Regis

2 Court of King's Bench

3 Important petitions

4 separate tribunal for the Lord Chancellor

5 High Court of Chancery

6 fairness (or "equity")

7 Keeper of the King's Conscience

8 Chancellorship

9 Cardinal Thomas Wolsey

10 Mary I

گشت اما پس از آن، غالباً همه لرد چانسلرها، افراد غیر روحانی بودند. لرد شافتسبری^۱ (۱۶۷۲-۱۶۷۳) آخرین لرد چانسلری بود که حقوقدان و وکیل نبود.

مبحث دوم: اداره لرد چانسلری^۲

قبلاً هنگامی که این مقام در دست کشیش بود، مهرداد سلطنتی^۳ در غیاب لرد چانسلر، انجام وظیفه می کرد. مهرداران سلطنتی همچنین آن موقعی که منصب لرد چانسلری بلا متصدی می ماند، عهده دار وظایف لرد چانسلر می شدند و وظایف این مقام را تا زمانی که یک جانشین مناسب برای این منصب جایگزین شود، انجام می دادند. وقتی الیزابت یکم^۴ ملکه شد، پارلمان قانونی را تصویب کرد که تصریح می نمود لرد مهرداد سلطنتی استحقاق دارد جایگاه مشابهی را نسبت به لرد چانسلر از جهت امتیازات، صلاحیتها، اجرای قوانین و دیگر عرفها و کارایی و مزایا داشته باشد. تنها تفاوت میان منصب لرد چانسلری و مهرداد سلطنتی، نحوه انتصاب این دو است که لرد چانسلر با نامه رسمی و سرگشاده دولت انتصاب می شود اما مهرداد سلطنتی با تحویل مهر سلطنتی به امانت و نگهداری او، انتصاب می شود.

قبلاً مرسوم بود که افراد معمولی (غیر اشراف) به منصب لرد مهرداری منصوب می شدند و اشراف به منصب لرد چانسلری منصوب می شدند. یک لرد مهرداری که مقام اشرافی و اعیانی را تحصیل نماید، متعاقباً می تواند به منصب لرد چانسلری انتصاب شود. آخرین لرد مهرداد، رابرت هنری^۵ بود که در سال ۱۷۶۰، به جایگاه مهم و بالایی رسید و در سال ۱۷۶۱ به منصب لرد چانسلری منصوب شد. از آن پس افراد معمولی نیز همانند اشراف و اعیان به منصب و پست لرد چانسلری منصوب می شدند. به هر

1 Lord Shaftesbury

2 The office

3 Keeper of the Great Seal

4 Elizabeth I

5 Robert Henley

حال تا قرن ۲۱ که جایگاه چانسلری تبدیل به یک اداره شد، یک شخص معمولی و عادی (غیر اشرافی)^۱، معمولاً مدتی کوتاه پس از انتصابش به این مقام، به مقام اشرافی و اعیانی می رسید. همچنین ممکن بود که یک گروه و هیئت به مقام لرد چانسلری منصوب شوند (بدین معنی که به جای یک شخص واحد، گروهی از اشخاص به این مقام منصوب شوند). اشخاصی که مقام لرد چانسلری را به عهده می گرفتند، به «هیئت لردان مهرداد سلطنتی»^۲ معروف شدند. هیئت لردان مهرداد سلطنتی تا سال ۱۸۳۶، منصوب به این مقام نمی شدند.

قبلاً چانسلر انگلیس و اسکاتلند و ایرلند مستقل و جدای از هم بودند. وقتی که پادشاهی انگلیس و پادشاهی اسکاتلند متحد شده و پادشاهی بزرگ بریتانیا را بر اساس قانون اتحاد ۱۷۰۷ تشکیل دادند، منصب چانسلری انگلستان و لرد چانسلری اسکاتلند با هم ادغام شدند و منصب واحد لرد چانسلری برای کشور جدید و تازه تأسیس شکل یافت. اما چنین مقرراتی در هنگام ادغام بریتانیا و ایرلند در راستای ایجاد پادشاهی انگلستان، (ممالک متحدهی بریتانیا)، بر اساس قانون اتحاد ۱۸۰۰، تصویب نشد و بنابراین منصب مستقل لرد چانسلری ایرلند تا زمان تشکیل ایریش فری استیت^۳ (نام سابق کشور ایرلند) در سال ۱۹۲۲ به وجود خود ادامه داد. که در این زمان منصب لرد چانسلر ایرلند، منسوخ شد و وظایف آن به فرماندار ایرلند شمالی^۴ منتقل شد و بعد از مدتی این وظایف به وزیر امور خارجه^۵ ایرلند شمالی منتقل شد. بنابراین لرد چانسلر ادامه و باقیمانده لرد چانسلر کشور انگلیس (جزیره بریتانیای کبیر) است نه ادامه لرد چانسلر در انگلستان و ایرلند (سلطنت متحده انگلستان و ایرلند).

1 commoner

2 Lords Commissioners of the Great Seal

3 Irish Free State

4 Governor of Northern Ireland

5 Secretary of State for Northern Ireland

مبحث سوم: وظایف لرد چانسلر:

لرد چانسلر در هر یک از قلمروهای قانونگذاری، اجرایی و قضایی اختیارات و وظایفی دارد که در ذیل به صورت جداگانه به بیان آن می پردازیم.

گفتار نخست: وظایف قانونگذاری^۱

لرد چانسلر قبلاً، رئیس مجلس اعیان بود، اما قانون اصلاحات اساسی سال ۲۰۰۵ این مقام و جایگاه را حذف و تغییر داد. و انتخاب رئیس مجلس اعیان را به خود این مجلس واگذار نمود. سرانجام لردها (نمایندگان مجلس اعیان) لرد اسپیکر را انتخاب کردند که البته این عنوان قبلاً در دستورالعملهای ثابت هم استفاده می شد. هرگاه پادشاه هیئتی از لردان را برای اجرای برخی از وظایف و اختیاراتش انتخاب می کرد (به عنوان مثال، اعلام رسمی توشیح ملوکانه^۲ مبنی بر اجازه و موافقت با مجلس، یا تعطیل و منحل کردن مجلس)، لرد چانسلر به عنوان عضو اساسی و ارشد^۳ این هیئت نقش ایفاء می نمود. دیگر لردهای عضو این کمیسیون را اعضای مجلس اعیان که جزء شورای نهایی^۴ نیز بودند، تشکیل می دادند (که معمولاً رهبران سه حزب اصلی و گروه تجاری کراس بنچز بودند^۵). لرد چانسلر در این وظیفه و نقش، لباس و ردای تمام قد قرمز روشن و پشمی آراسته پارلمانی می پوشید که حاشیه سفیدی داشت، همچنین کلاه ترایکُرن^۶ (نوعی کلاه خاص) می پوشید، اما دیگر اعضای این هیئت، کلاه دو شاخ می پوشیدند.

در مدتی که جک استراو^۷ (یک عضو مجلس)، لرد چانسلر بود، او رسماً به عنوان

1 Legislative functions

2 Royal Assent

3 principal or senior Lord Commissioner

4 Privy Counsellors

5 Convenor of the Crossbenches

6 tricorne hat

7 Jack Straw

یکی از اعضای این کمیسیون لردها مشخص شده بود اما در تشریفات رسمی اعطاء توشیح ملوکانه و تعطیل کردن مجلس دخالت نمی کرد. رئیس مجلس به عنوان عضو این کمیسیون منصوب شده بود و در تشریفات دخالت می کرد. در این دوره، نقش عضو اساسی و ارشد کمیسیون با رئیس مجلس اعیان^۱ بود. (البته یک استثناء وجود داشت، آن هم زمانی که جان برکو^۲ جهت تصویب شاهانه برای منصب ریاست مجلس عوام در سال ۲۰۰۹ معرفی شده بود، استراو عضو ارشد و اساسی کمیسیون بود و رئیس مجلس عضو این کمیسیون نبود). این سابقه و پیشینه در مورد چانسلر معاصر (کریس کریلینگ)، جریان داشته است. البته این روشن نیست که اگر لرد چانسلر آینده از مجلس اعیان منصوب شود، چگونه این ترتیب تغییر خواهد نمود.

گفتار دوم: وظایف اجرایی:^۳

لرد چانسلر از اعضای هیئت مشاورین سلطنتی و عضو کابینه می باشد. اداره ای که ایشان رئیس آن است بین سالهای ۱۸۸۵ تا ۱۹۷۱ به اداره لرد چانسلر^۴ معروف بود و بین سالهای ۱۹۷۱ تا ۲۰۰۳ به شعبه لرد چانسلر^۵ معروف بود. در سال ۲۰۰۳ شعبه لرد چانسلر به شعبه امور اساسی^۶ تغییر نام داد و لرد چانسلر به عنوان وزیر دولت در این امور اساسی^۷، منصوب شد. در سال ۲۰۰۷ این منصب به وزیر دادگستری^۸ دولت تغییر نام داد و این شعبه نیز تبدیل به وزارت دادگستری^۹ شد.

1 Leader of the House of Lords

2 John Bercow

3 Executive functions

4 Lord Chancellor's Office

5 Lord Chancellor's Department

6 Department for Constitutional Affairs

7 Secretary of State for Constitutional Affairs

8 Secretary of State for Justice

9 Ministry of Justice

شعبه ای که به وسیله لرد چانسلر رهبری می شد، مسئولیتهای متعددی داشت، مثل مدیریت و اداره نمودن دادگاهها. علاوه براین، لرد چانسلر در انتصاب خیلی از قضات دادگاههای انگلستان و ولز نقش داشت. قضات ارشد^۱ (قضات دیوان عالی^۲ انگلستان، قضات دادگاه پژوهش^۳ و رؤسای شعبه های دادگاههای عالی^۴) رسماً به وسیله پادشاه و با مشورت لرد چانسلر منصوب می شدند. البته از سال ۲۰۰۵ یک کمیسیون انتصاب قضایی مستقل^۵ به لرد چانسلر پیشنهاد می دهند و لرد چانسلر فقط می تواند گزینه های پیشنهادی را قبول و یا رد نماید. همانگونه که لرد چانسلر نمی تواند تعیین کند که چه وکیل مدافعی^۶ به رتبه و درجه مشاور ملکه^۷ رسیده است بلکه او صرفاً می توانست بر فرایند انتخاب این قاضی توسط یک هیئت مستقل نظارت کند.

همچنین نگهداری از مهر سلطنتی پادشاه نیز به عهده لرد چانسلر بود. اسنادی که به مهر سلطنتی، مهور می شوند، عبارتند از نامه های سرکشاده دولت^۸، احکام و اعلامیه های پادشاه^۹. در حقیقت مهر نمودن تحت نظارت منشی پادشاه در چانسلری صورت می گیرد (که او علاوه براین منشی دائمی لرد چانسلر نیز است). قابل ذکر است که در اسکاتلند لرد چانسلر نگهدار مهر سلطنتی نمی باشد (بلکه در این کشور مهر سلطنتی به وسیله نخست وزیر اسکاتلند نگهداری می شود)، در ایرلند شمالی نیز لرد چانسلر نگهدار مهر سلطنتی نیست (بلکه به وسیله وزیر خارجه اسکاتلند شمالی نگهداری می شود).

-
- 1 Senior judges
 - 2 Supreme Court
 - 3 Lords Justices of Appeal
 - 4 Heads of the Divisions of the High Court
 - 5 independent Judicial Appointments Commission
 - 6 barristers
 - 7 Queen's Counsel
 - 8 letters patent
 - 9 writs and royal proclamations

گفتار سوم: وظایف قضایی^۱:

لرد چانسلر قبلاً یک سری وظایف قضایی را به عهده داشت که این وظایف به موجب قانون اصلاحات اساسی سال ۲۰۰۵ (در مقابل نقش ایشان در مدیریت و اداره سیستم دادگاه)^۲ از ایشان گرفته شد.

لرد چانسلر قبلاً نقش های قضایی متفاوت و متعددی را به عهده داشتند، از جمله اینکه ایشان قاضی کمیسیون قضایی مجلس اعیان^۳ بود (بالاترین دادگاه داخلی در انگلستان)، همچنین یکی از اعضای کمیسیون قضایی شورای نهایی^۴ بود (بالاترین دیوان محاکمات در امپراطوری انگلستان (به استثناء کشور پادشاهی انگلستان) و اخیراً در میان اعضای کشورهای مشترک المنافع. ایشان رئیس دیوان عالی کشور^۵ انگلستان و ولز بود و بنابراین بر دادگاه پژوهش^۶ انگلستان و ولز، دادگاه عالی^۷ قضایی انگلستان و ولز و دادگاه شاهی^۸ انگلستان و ولز نظارت داشت. ایشان همچنین به خاطر سمتش، قاضی دادگاه پژوهش و رئیس شعبه چانسری^۹ می باشد. امروزه این وظایف قضایی به صورت محدودی اعمال می شود. وظایف مربوط به مجلس اعیان و کمیسیون قضایی هیئت مشاورین سلطنتی عادتاً به لرد ارشد دادگاه پژوهش^{۱۰} واگذار شده است. وظیفه ریاست شعبه چانسری به معاون و قائم مقام^{۱۱} ایشان که یک قاضی ارشد است، (اکنون

1 judicial functions

2 Constitutional Reform Act 2005

3 Judicial Committee of the House of Lords

4 Judicial Committee of the Privy Council

5 Supreme Court of England and Wales

6 Court of Appeal

7 High Court of Justice

8 Crown Court

9 President of the Chancery Division

10 Senior Lord of Appeal

11 Vice-Chancellor

معروف است به چانسلر دادگاه عالی^۱ واگذار شده است. اغلب لرد چانسلرها با اتمام قرن بیستم، صرفاً نسبت به پرونده هایی که به مجلس اعیان می رسد، صلاحیت قضاوت دارند. آخرین لرد چانسلری که به عنوان یک قاضی، این ریاست را به عهده گرفت، لرد ایرواین بود که در سالهای ۱۹۹۷ تا ۲۰۰۳ این مسئولیت را داشت، این شخص به عنوان عضوی از کمیته قضایی مجلس اعیان انجام وظیفه می نمود. به هر حال مسائل و موضوعاتی که قبلاً بیان شد، از جمله آنچه مربوط به صلاحیت قضایی ایشان بود، (که در جایگاه یک وزیر به عنوان یک قاضی تخصصی و حرفه ای نقش ایفاء می کرد) و قائم مقام او «لرد فالكونر»، هرگز چنین نقشی را به عهده نداشت، حتی قبل از اینکه حق انجام چنین کاری را داشته باشد، منسوخ شده بود.

اخیراً زمانی که اعضای مجلس اعیان این حق به آنها داده شد که به جرایم کیفری یا خیانت بزرگ آنان، دیگر نمایندگان در مجلس اعیان رسیدگی کنند (به جای هیئت منصفه دادگاه به صورت عادی و عمومی)، لرد مباشر اعظم^۲ به جای لرد چانسلر، ریاست هیئت را به عهده گرفت. این مسأله در مورد رسیدگی به اتهام نیز اتفاق افتاد. جایگاه لرد مباشر اعظم عموماً از سال ۱۴۲۱ بدون متصدی بود. هرگاه یک نماینده می خواست به اتهامش در مجلس اعیان رسیدگی بشود، باید برای این موقع (برای این اتفاق) یک لرد مباشر اعظم منصوب می شد. در خیلی از پرونده ها فقط لرد چانسلر به طور موقت به جایگاه لرد مباشر اعظم می رسید. محاکمه نمایندگان در مجلس اعیان در سال ۱۹۴۸ منسوخ شد و در مورد مسأله رسیدگی به اتهام نیز منسوخ شد اما متأسفانه این مسأله دوباره اتفاق افتاد.

لرد چانسلر همچنین در آغاز سال حقوقی (قانونی)، تشریفات کلیسای جامع وست مینستر را در مقابل قضات اداره می نمود. این تشریفات به دنبال یک پذیرایی که

1 Chancellor of the High Court

2 Lord High Steward

معروف به صبحانه لردچانسلر بود، انجام می شد که در عمارت وست مینستر صورت می گرفت.

شایسته است بدانیم (اگرچه مربوط به بحث ما نیست) که از سال ۱۸۶۷ تا سال ۱۸۷۵، لرد چانسلر متصدی بالاترین دادگاه در کانادا بود تا اینکه دیوان عالی کانادا و منصب رئیس دیوان عالی کانادا تأسیس شد.

گفتار چهارم: وظایف وابسته به کلیسا^۱

لرد چانسلر وظایف متعددی در رابطه با کلیساهای شرعی و قانونی انگلستان دارد. لردچانسلر کشیشهای این کلیساها را که تحت سرپرستی و نظارت پادشاه هستند و رسماً سالیانه بر اساس فهرستی استحقاق دریافت کمتر از ۲۰ دلار را دارند، منصوب می کند. علاوه بر این زمانی که هیچ دوک و اعیانی در کرن وال نباشد و یا اعیان و اشراف کُرَن وال صغیر و نابالغ باشند، از مشابه چنین امتیازی در کاهش دادن امتیاز دوک کُرَن وال^۲ نیز برخوردار است. (وارث آشکار و روشن تاج، اگر او پسر ارشد پادشاه باشد، به صورت اتوماتیک دوک کرن وال خواهد بود)

نتیجهٔ لرد چانسلر در برخی موارد حامی شغل کلیسایی در رابطه با حقوقشان است. بنابراین در مجموع لرد چانسلر کشیشان بیش از چهار صد بخش و همچنین کشیش دوازه کلیسای جامع را تعیین و منصوب می نماید.

براساس قانون لرد چانسلر باید قبل از انتصاب مشورت نماید که ممکن است با برخی دادگاههای کلیسایی انجام دهد.

1 Ecclesiastical functions

2 Duke of Cornwall

قضات دادگاه کلیسایی^۱، دادگاه بزرگ کانتربری^۲، دادگاه چانسری شهر یورک^۳ و دادگاه کلیسایی موضوعات ویژه^۴، منحصرأً پس از مشورت با لرد چانسلر منصوب می شوند. لرد چانسلر به جهت منصب و شغلش، یکی از سی و سه عضو هیئتی است که دارایی های کلیسای انگلستان را مدیریت می نمایند.

مبحث چهارم: اصلاحات:

در اوایل قرن ۲۱ میلادی وظایف مختلط اجرایی، تقنینی و قضایی منصب تاریخی لرد چانسلر کم کم تبدیل به یک ایده غیر قابل توجیه شد. چرا که این ایده مخالف نظریه تفکیک قدرتی (قوا)^۵ بود که توسط منتسکیو^۶ مطرح شد. (که طبق این نظریه نباید هیچ شخصی در بیش از یکی از سه قوه موجود در حکومت دخالت کند؛ در حالی که لرد چانسلر در هر سه قوه دخالت داشت). همچنین این نکته نیز مطرح شد که (این اختیارات وسیع لرد چانسلر) احتمالاً با کنوانسیون حقوق بشر اروپا^۷ نیز متناقض است. در عین حال طرح پیشنهادی بلر (نخست وزیر وقت انگلیس)، مبنی بر اینکه دولت به راحتی بتواند این منصب را نسخ و ملغی کند در تقابل با قول مخالفانی بود که احساس می کردند چنین مقامی وجودش برای سخن گفتن از طرف قوه قضاییه در کابینه ضرورت دارد، همانگونه که عده ای دیگر نیز مخالف نسخ ناگهانی چنین سازمان تاریخی و با قدمت بودند.

- 1 Consistory Courts
- 2 Arches Court of Canterbury
- 3 Chancery Court of York
- 4 Court of Ecclesiastical Causes Reserved
- 5 separation of powers
- 6 Montesquieu
- 7 European Convention on Human Rights

در سال ۲۰۰۳ میلادی تونی بلر^۱ دوست صمیمی و هم اتاقی سابق خود «لرد فالكونر»^۲ از شهر تورتون را به عنوان لرد چانسلر و وزیر خودش در امور اساسی منصوب کرد. در عین حال ایشان اعلام کرد که قصد دارد منصب لرد چانسلری را ملغی نموده و اصلاحات اساسی زیاد دیگری نیز انجام دهد. پس از غافلگیری بسیار و آشفتگی، روشن شد که منصب کهن و تاریخی لرد چانسلری بدون قانون مصوب پارلمان^۳ نمی تواند ملغی شود. لرد فالكونر شهر تورتون طبق مقررات برای به عهده گرفتن کرسی ریاست دادگاه در روز بعد در مجلس اعیان حاضر شد. به هر حال شعبه لرد چانسلری^۴ به شعبه امور اساسی^۵ تغییر نام داد.

در ژانویه ۲۰۰۴ شعبه امور اساسی توافقنامه ای را منتشر کرد که تقسیم صلاحیت ها، اختیارات و قدرت را بین لرد چانسلر و رئیس دیوان عالی^۶ مطرح می نمود و همچنین اینکه این مورد به عنوان اساس و پایه اصلاحات مورد نظر می باشد.

دولت صلاحات اساسی بیل را در فوریه ۲۰۰۴ در مجلس اعیان مطرح نمود. آقای بیل سعی و تلاش (درخواست) نموده بود منصب لرد چانسلری ملغی شده و وظایفش به دیگر مقامات منتقل شود؛ وظایف قانونگذاری به سخنگوی مجلس اعیان، وظایف اجرایی به وزیر امور اساسی^۷ و وظایف قضایی به رئیس دیوان عالی. آقای بیل اصلاحات اساسی دیگری نیز انجام داد؛ همانند انتقال وظایف قضایی مجلس اعیان به دیوان عالی کشور^۸. به هر حال برخلاف مسئولیتهای دیگر وزرا که می تواند با تصویبنامه دولتی از یک بخش

1 Tony Blair

2 Lord Falconer of Thoroton

3 Act of Parliament

4 Lord Chancellor's Department

5 Department for Constitutional Affairs

6 Lord Chief Justice

7 Secretary of State for Constitutional Affairs

8 Supreme Court

به بخش دیگری منتقل شود، چندین وظیفه لرد چانسلر در قالب قانون مصوب مجلس به شعبه لرد چانسلر واگذار شد. این اختیارات و وظایف حفاظت شده ی لرد چانسلر فقط به وسیله قانون مصوب مجلس می توانست به دیگر وزراء منتقل شود. در نتیجه این توضیحات روشن می شود که بسیار مشکل بود که شعبه لرد چانسلری منسوخ و ملغی شود.

به هر حال نمایندگان مجلس اعیان در مارس ۲۰۰۴ لایحه دولت را با فرستادن آن به کمیته خاص، متوقف نمودند. هرچند در ابتدا این اقدام مجلس در انتقال لایحه به کمیته خاص به نظر می رسید که منجر به رد نمودن این لایحه شود، اما دولت و مخالفان موافقت کردند تا این لایحه دوباره سیر قانونی خود را (مشروط به انجام هرگونه اصلاحاتی توسط این کمیته) شروع نماید. در ۱۳ ماه ژوئیه سال ۲۰۰۴، مجلس نسبت به لایحه اصلاحات اساسی، اصلاحاتی را - به گونه ای که عنوان لرد چانسلر باقی ماند- انجام داد، اگرچه مقامات دولتی اصلاحات جدیدی را پیشنهاد کردند که به صورت کامل رد شد. سپس در نوامبر سال ۲۰۰۴ دولت یک اصلاحیه ای را به نمایندگان مجلس اعیان ارائه نمود که به صورت کامل ارجاع امور به وزیر امور اساسی را حذف نموده و به صورت یکجا آنها را به لرد چانسلر ارجاع می داد البته بدین نحو که وزیر و لرد چانسلر یک شخص واحد باشد. قانون اصلاحات اساسی نهایی در ۲۴ مارس ۲۰۰۵ به توشیح ملوکانه رسید و عمده وظایف تاریخی لرد چانسلر را به دیگر مقامات (همچون رئیس دیوان عالی و لرد سخنگو) واگذار نمود که اواسط سال ۲۰۰۶ کامل شد. به هر حال لرد چانسلر و وزیر امور اساسی به عنوان عضوی از کابینه در جای خود ابقاء شدند و همچنین برخی از وظایف قانونی خاص و ویژه آنان نیز باقی ماند.

در می سال ۲۰۰۷ شعبه امور اساسی متوقف شد و وظایف آن به وزارت دادگستری جدید التأسیس^۹ منتقل شد که البته برخی مسئولیتهای وزارت کشور^{۱۰} نیز به آن (وزارت

دادگستری) انتقال یافته بود. لرد فالكونر لرد چانسلر تا هنگامی که این عنوان و سازمان باقی ماند، به عنوان اولین وزیر دادگستری منصوب شد.

در گذشته چنانچه شخص غیر عضو در مجلس اعیان، در اداره لرد چانسلری منصوب می شد، به محض انتصاب در این اداره، به مقام اعیانی می رسید، هر چند مقررات مصوب سال ۱۵۳۹ تصریح کرده بود که افراد غیر عضو مجلس اعیان که مسئولیت ادارات بزرگ کشور را به عهده می گیرند به هنگام حضور در مجلس اعیان باید بین صندلی های مجلس بنشینند.

با تصویب قانون اصلاحات اساسی ۲۰۰۵ و پیرو آن تفکیک نقش لرد چانسلر و سخنگوی مجلس اعیان، دیگر نیازی به این نبود که لرد چانسلر از اعضای مجلس اعیان باشد. در ماه ژوئن سال ۲۰۰۷ جک استراو (یک عضو پارلمان)، به عنوان وزیر دادگستری و لرد چانسلر منصوب شد. بنابراین ایشان (پس از کریستوفر هاتون^۱ در سال ۱۵۷۸) اولین لرد چانسلری بود که - به جای اینکه عضو مجلس اعیان و یا عضو شورای سلطنتی^۲ سابق باشد - عضو مجلس عوام بود.

قاضی القضاة

در نظام اسلامی، حضرت رسول (ص) اولین و والاترین قاضی بود و هم ایشان اولین مرجع برای حل تمام اختلافات و مناقشاتی بود که در بین اهل مدینه منوره اتفاق می افتاد و همچنین اختلافاتی که بین گروهها و طوایف و ادیان صورت می گرفت. قرآن کریم نیز در برخی آیات به این منصب حضرت (ص) تصریح دارد آنجا که می فرماید: فاحکم بینهم بما انزل الله و لا تتبعهواهم عما جائك من الحق (مائده/۴۸) و همچنین آیه مبارکه: فلا وربک لا يؤمنون حتی یحکموک فیما شجر بینهم ثم لا یجدوا فی انفسهم

1 Sir Christopher Hatton

2 Curia Regis

حرجاً مما قضيت و يسلموا تسليماً (نساء/۶۵). لذا بر اساس این آیات حضرت (ص) مأمور به حکم و قضاوت بوده و عملاً به فصل خصومات در خصوص اموال و حقوق، معاملات و احوال شخصیه و دیون و اراضی و موارث و همچنین عقوبات و حدود و قصاص می پرداخت. همچنین در برخی شرایط و موارد نیز عده ای از اصحابش را برای قضاوت معین می نمود و برخی را نیز برای قضاوت به دیگر شهرها می فرستاد. (الزحیلی، ۱۹۹۵، ۴۲-۴۳)

همچنین در دیگر شهرها نیز والیان حضرت (ص) به نیابت از حضرت (ص) خودشان این مأموریت را انجام می دادند. در زمان خلیفه اول نیز دادرسی و قضاوت به همین منوال ادامه یافت (محمد شبارو، ۱۷، ۱۹۹۲). به عبارت دیگر قوه قضائیه تا زمان خلیفه دوم عمر، جدای از قوه ی اجرایی و رهبری نبود و در زمان عمر به دستور او قوه قضائیه از کارهای خلافت جدا شد و به کسی ویژه غیر از استاندار یا مأمور سیاسی واگذار شد و ایشان برای نخستین بار در کنار استانداران و فرمانداران، افرادی را به دادرسی استانها گمارد. به عنوان مثال ابودرداء را به دادرسی مدینه گمارد و شریح بن حارث کندی به دادرسی کوفه و ابوموسی اشعری به دادرسی در بصره گماشته شدند. همچنین نخستین قاضی مصر به نام قیس بن ابی العاص پس از اسلام به دستور عمر گمارده شد (ساکت، ۱۳۸۲، ۱۰۷): اما هنوز یک ساز و کار و سازمان مستقلی نداشت.

در زمان خلفای عباسی دادرسی استقلال بیشتری یافته و ابویوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبيب انصاری، شاگرد برجسته ابوحنیفه و نویسنده کتاب الخراج توسط هارون الرشید ملقب به عنوان «قاضی القضاة» شد، که این عنوان ویژه ی قاضی دارالخلافة بود. خلیفه نه تنها در مسائل دینی، مالی و مانند آن، بلکه در گماردن قضات دیگر استانها و شهرستانها نیز با ابویوسف رایزنی می کرد. (یارشاطر، ۱۳۵۷، ۱۱۳۶)

قاضی القضاة به معنی داور داوران، سرداوران، قاضی قاضیان است. برخی قاضی را تازی شده موبد موبدان می دانند. زیرا موبد، قاضی زرتشتی بوده است. (دهخدا،

۱۰، ۱۳۷۳، ۱۵۳۰۰) قاضی القضاة در حکومت‌های اسلامی، بزرگ قاضیان و کسی بود که گماشتن و عزل قاضیان به دست او بوده و خود نیز به کار قضا میپرداخته است (السیوطی، ۱، ۲۹۰).

بدون تردید واژه قاضی القضاة تا پیش از دوره عباسیان در قاموس حقوق اسلام وجود نداشت و همانگونه که نام آن از ایران آمد، عباسیان سازمان آن را نیز از ایران وام گرفتند که در میانه‌ی سالهای ۱۶۸ و ۱۸۰ هـ ق بنیاد یافته است. (ساکت، ۱۳۸۲، ۱۳۸) البته در خصوص اینکه اولین کسی که ملقب به قاضی القضاة شد، اختلاف نظراتی وجود دارد، ذهبی اشاره میکند نخستین کسی که لقب قاضی القضاة را دریافت کرد یحیی بن سعید انصاری بود که این لقب را از منصور گرفت او در آغاز قاضی مدینه بود سپس قاضی القضاة گردید و در سال ۱۴۳ هـ ق وفات نمود^۱. (الذهبی، ۳۱۰، ۳) اما از مطالب وکیع فهمیده می شود که این منصب در عهد خلافت مهدی شکل گرفت و ابراهیم بن عثمان قاضی واسط، پس از آنکه شکایات بسیاری از او شد، خلیفه او را عزل کرد اما او را به منصب قضاء القضاة گماشت^۲. (بن حیان، ۳، ۳۱۰) این منصب مترادف قاضی القضاة می باشد و در اصل زمینه ای برای عنوان قاضی القضاة بود. در کتاب القضاء

۱ السیوطی، تاریخ الخلفاء، ج ۱، ص ۲۹۰؛ قلت: كان الخلفاء يولون القاضي المقيم ببلدهم القضاء بجميع الأقاليم والبلاد التي تحت ملكهم، ثم يستنوب القاضي من تحت أمره من شاء في كل إقليم وفي كل بلد؛ ولهذا كان يلقب قاضي القضاة، ولا يلقب به إلا من هو بهذه الصفة، ومن عداه بالقاضي فقط أو قاضي بلد كذا.....

۲ ابو عبدالله شمس الدين الذهبي، تذكرة الحفاظ، ج ۴، ص ۱۳۷، دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان؛ يحيى بن سعيد ابن قيس بن عمرو الحافظ شيخ الاسلام أبو سعيد الأنصاري النجاري المدني قاضي المدينة ثم قاضي القضاة للمصور حدث عن انس ابن مالك والسائب بن يزيد وأبي امامة بن سهل وسعيد بن المسيب والقاسم بن محمد وخلق، وعنه شعبة ومالك والسينان والحامدان وابن المبارك ويحيى القطان وأمهم سواهم.

۳ محمد بن خلف بن حيان، أخبار القضاة، ج ۳، ص ۳۱۰، بيروت - عالم الكتب؛ فكتب حسن بن علي بن عاصم إلى أبيه يخبره بأنه قد فارقهما على لقائه والقول عنه؛ فجعل علي بن عاصم يرسل إليهما من يذمه فانصرف بذلك فكتب في أشخاصه وشخص معه قوم يمدحونه وقوم يذمونه فعزله المهدي وقال لا نستبعد هذا الشيخ فولاه قضاء القضاة.

والقضاة في الاسلام به نقل از نشوار آمده است که: قاضی القضاة ابو محمد عبیدالله بن احمد بن معروف، در زمان المطیع لله چهار سال و چند روزی قضاء القضاة را در بغداد به عهده داشت و قبل از همه اینان، خلیفه هارون الرشید قضاء القضاة را به عهده علی بن ظبیان در بغداد گذاشت. قبل از آن در قسمت شرق حکومت اسلامی، قاضی بود و در سفر هارون الرشید به خراسان همراه او بود وی در کرمانشاه در سال ۱۹۲ هجری وفات یافت! (محمد شبارو، ۱۹۸۳، ۳۶) اما حسن ابراهیم حسن، ابویوسف یعقوب بن ابراهیم بن حبیب الانصاری الکوفی (۱۱۳ - ۱۸۲ ق) را اولین کسی می داند که منصب قاضی القضاتی را در زمان خلیفه هارون الرشید که ایجادکننده این منصب است به عهده داشت.^۲ (ابراهیم حسن، ۱۴۲۲، ۳۱۶، ۳) ابن اثیر نیز، نخستین قاضی القضاة را ابویوسف می داند که در دوره هادی به این منصب گماشته شد.^{۱۱۱} (ابن اثیر، ۳، ۸) در وفیات الاعیان، نیز نخستین قاضی القضاة، ابویوسف متوفی حدود (۱۸۲ هجری/ ۷۹۸ میلادی) دانسته شده که در دوران مهدی و پسرانش هادی و هارون الرشید این منصب را

۱ محمد شبارو، عصام، القضاء و القضاة فی الاسلام، ص ۳۶، دارالنهضة العربیة، بیروت، ۱۹۸۳م؛ الخطیب البغدادی، اَبی بکر أحمد بن علی بن ثابت، تاریخ بغداد، ج ۱۳، ص ۴۰۳، دار الغرب الإسلامی، بن تا؛ علی بن ظبیان، اَبو الحسن العسبی و قیل: الجنبی الکوفی..... تقلد قضاء الشرقیة، ثم ولی قضاء القضاة فی أيام هارون الرشید..... قَالَ طَلْحَةَ: عَلِيُّ بْنُ ظَبْيَانَ أَبُو الْحَسَنِ جَنْبِي رَجُلٌ جَلِيلٌ مُتَوَاضِعٌ دِينَ، حَسَنُ الْعِلْمِ بِالْفِقْهِ مِنْ أَصْحَابِ أَبِي حَنِيفَةَ، وَكَانَ حَشِيئًا فِي بَابِ الْحُكْمِ، تَقَلَّدَ الشَّرْقِيَّةَ، ثُمَّ تَقَلَّدَ قَضَاءَ الْقَضَاةِ، وَوَلَّاهُ هَارُونَ الرَّشِيدَ، وَكَانَ يَخْرُجُ مَعَهُ إِذَا خَرَجَ إِلَى الْمَوَاضِعِ، فَتَوَفَّى بِقَرْمِيسِينَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَتَسْعِينَ وَمِائَةَ أَخْبَرَنَا ابْنُ الْفَضْلِ، قَالَ: أَخْبَرَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدَ بْنِ نَصِيرِ الْخَلْدِيِّ، قَالَ: حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سُلَيْمَانَ الْحَضْرَمِيِّ، قَالَ: وَمَاتَ عَلِيُّ بْنُ ظَبْيَانَ، أَبُو الْحَسَنِ الْعَسْبِيُّ بِقَرْمِيسِينَ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَتَسْعِينَ وَمِائَةَ، وَخَرَجَ مَعَ هَارُونَ الرَّشِيدِ حِينَ تَوَجَّهَ إِلَى خِرَاسَانَ.

۲ حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۳، ص ۳۱۶، نشر دار الجیل بیروت، ۱۴۲۲هـ ق؛ و اول من لقب بهذا اللقب القاضي ابو يوسف (يعقوب بن ابراهيم) صاحب كتاب (الخراج) في عهد هارون الرشيد. ۱۱۱ ابن الاثير، أبو الحسن، اللباب في تهذيب الانساب، ج ۳، ص ۸؛ اَبُو يُوسُفَ يَعْقُوبَ بْنَ إِبْرَاهِيمَ الْقَاضِي صَاحِبِ أَبِي حَنِيفَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا رَوَى عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدِ الْأَنْصَارِيِّ وَأَبِي إِسْحَاقَ الشَّيْبَانِيِّ وَالْأَعْمَشَ وَغَيْرِهِمْ رَوَى عَنْهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ وَأَحْمَدُ بْنُ حَنْبَلٍ وَأَبْنُ مَعِينٍ وَغَيْرِهِمْ فَوَلَّاهُ الْهَادِي قَضَاءَ الْقَضَاةِ وَبَعَدَهُ الرَّشِيدَ وَهُوَ أَوَّلُ مَنْ سَمِيَ قَاضِي الْقَضَاةِ وَبِهِ اتَّسَرَ مَذْهَبُ أَبِي حَنِيفَةَ وَوُلِدَ سَنَةَ ثَلَاثِ عَشْرَةِ وَمِائَةَ وَمَاتَ فِي شَهْرِ رَبِيعِ الْأَوَّلِ سَنَةَ اثْنَتَيْنِ وَتَمَّانَيْنِ وَمِائَةَ بِبَغْدَادَ.

داشته است.^۱ (ابن خلکان، ۶، ۳۷۹)

در ابتدا فقط یک قاضی القضاة در تمام حکومت اسلامی آن هم در بغداد (دارالخلافه) وجود داشت، اما کم کم این نهاد توسعه یافت و در سده ۴ هجری در ری یک قاضی القضاة بر سر کار بود، اهواز نیز یک قاضی القضاة داشت و در دیاربکر نیز قاضی القضاة به نام حسین ربعی وجود داشت. قاضی القضاة مانند دیگر مقامات بلند پایه دولتی از سوی قدرت عالی (خلیفه یا وزیر تام الاختیار) برگزیده می شد. در ابتدا این مقام فقط به کسی که قاضی بود اعطا می شد اما در نیمه دوم حکومت فاطمیان، دادرسی به وزیران تام الاختیار اعطا می شد و وزیران مستقل فاطمی سرپرست دادرسی مسلمانان بودند. بعدها قاضی القضاة، عنوان نایب به خود می گیرد و در واقع به کسی که سرپرستی این سازمان را بر عهده دارد، به جای قاضی القضاة، نایب می گفتند و این نشان دهنده ی اختیارات و صلاحیتهای گسترده او بود. (ساکت، ۱۴۲، ۱۳۸۲-۱۴۳)

به مرور زمان، منصب قاضی القضاة تشکیلات دیوانی می یابد، حسن ابراهیم حسن می گوید: قاضی القضاة بغداد دیوانی داشت که آن را «دیوان قاضی القضاة» نام داده بودند. این دیوان دارای کارمندانی مانند: دبیر (منشی)، دربان (حاجب)، دفتردار (خازن دیوان الحکم) و کارمند اجرای احکام بوده است.^۲ (ابراهیم حسن، ۴، ۱۴۲۲، ۳۶۰) همچنین از وظایف و اختیارات مهم قضایی و غیر قضایی برخوردار شد. از جمله وظایف قضایی آن می توان به موارد ذیل اشاره نمود:

۱ ابن خلکان، وفیات الاعیان، ج ۶، ص ۳۷۹؛ وکان قد سكن بغداد وتولى القضاء بها لثلاثة من الخلفاء: المهدي وابنه الهادي ثم هارون الرشيد، وکان الرشيد يكرمه ويحله، وکان عنده حظياً مكيناً، وهو أول من دعي بقاضي القضاة، ويقال إنه أول من غير لباس العلماء إلى هذه الهيئة التي هم عليها في هذا الزمان، وکان ملبوس الناس قبل ذلك شيئاً واحداً، لا يتميز أحد عن أحد بلباسه. ولم يختلف يحيى بن معين وأحمد بن حنبل وعلي بن المديني في ثقلته في النقل.

۲ حسن ابراهیم حسن، تاریخ الاسلام، ج ۴، ص ۳۶۰، نشر دار الجليل بيروت، ۱۴۲۲ه ق؛ و كان لقاضي القضاة ببغداد ديوان يعرف بديوان قاضي القضاة و من اشهر موظفي هذا الديوان: الكاتب و الحاجب و عارض الاحكام و خازن ديوان الحكم و اعوانه....

الف: تعیین و نصب قضات

ب: محاکمه وزراء و دیگر مقاماتی که جرایم علیه دین و خلافت مرتکب می شدند.

ج: بیعت کردن با خلفاء و یا برداشتن بیعت از آنان.

د: عقد ازدواج خلفاء و امراء.

ه: ولایت بر امور حسبه.

و: صلاحیت رسیدگی به مظالم.

ز: افتاء

ایشان علاوه بر اختیارات قضایی، از اختیارات غیر قضایی نیز برخوردار بود که عبارت

بودند از:

الف: وساطت از دیگران نزد خلیفه و یا وزیر. به دلیل اینکه ایشان دارای سلطه و نفوذ

بوده و همچنین مقرب خلیفه بود.

ب: اداره امور حج و همراهی ایشان با خلیفه در سفر حج.

ج: تدریس و خطابه و نظارت بر مساجد و مدارس.

د: مسئولیت دار الضرب و همچنین وکالت در بیت المال.

ه: دعوت به جهاد در راه خدا.

و: همراهی خلیفه در سفرهایش. (محمد شبارو، ۱۰۷، ۱۹۹۲-۱۲۴)

شغل دیگری که به مثابه قاضی القضاة است، منصب اقصی القضاة می باشد در

خصوص اینکه که کدام یک از دو منصب برتر بوده است، ابهاماتی وجود دارد و میان

نویسندگان قدیم نیز در این باره کمابیش اختلاف دیده می شود ولی شواهد نشان می دهد

که قاضی القضاة منصبی بالاتر داشته است. نویسنده تجارب السلف، در معرفی جلال

الدین علی بن علی هبة الله البخاری آورده است: «مردی ادیب و فاضل و فقیه بود و در

سال ۵۸۲ متولی قضا شد و لقبش را اقصی القضاة نوشتند و بعد از آن منصبش ترقی

کرد و اقصی القضاة به قاضی القضاة مبدل گشت و نیابت وزارت را نیز به او تفویض

کردند او بر هر دو منصب نظارت می کرد و باز از نیابت وزارت معزول شد و در منصب

قاضی القضاة بماند و در سنه ثلاث و تسعین و خمس مائه وفات یافت». (هندوشاه،

۱۳۵۷، ۳۲۹) صاحب کتاب نهاد دادرسی در اسلام می نویسد «از روزگار سلجوقی به بعد اقاضی القضاة در برابر قاضی القضاة به همان معنی و کاربرد به کار می رفته است». (ساکت، ۱۳۸۲، ۱۷۴)

از بررسی های مختلف چنین برمی آید که کلمه اقاضی القضاة به لحاظ برتری مقام و رتبه علمی نسبت به اشخاص دیگر، اطلاق می شده است ولی قاضی القضاة دارنده منصب و شغلی بوده که بر نحوه قضاوت و امور قاضی ها نظارت داشته و عزل و نصب آنها را عهده دار بوده است.

همچنین در منطقه غرب جهان اسلام، به بالاترین قاضی، قاضی الجماعه گفته می شد که به گونه ای نظارت بر کار دیگر قاضیان داشته و همچنین قاضیان شهرستانها را نصب می کرد، که البته از آغاز سده ی ششم هجری، اصطلاح قاضی القضاة جایگزین آن شد. (ساکت، ۱۴۵، ۱۳۸۲)

جایگاه و اهمیت منصب قاضی القضاة و همچنین میزان استقلال دادرسی در گذر زمان دارای فراز و نشیب هایی بوده است، در دوره ای حاکمان به اشکال مختلف اعمال نفوذ در دستگاه قضا می کردند و در دوره ای نیز حاکمان مطیع و فرمانبردار دستگاه قضایی و اجرا کننده آراء و احکام قضاات بودند. در روزگار صفویان، به جای منصب قاضی القضاة، سازمانی قضایی به نام دیوان بیگی بنیاد نهاده شد که پس از مقام وزیر اعظمی (نخست وزیری)، دومین مقام مهم دولتی و همچنین دادرس عرف در برابر حاکم شرع محسوب می شد. همچنین دیوان بیگی بلند پایه ترین قاضی جزایی ایران بود. دیوان بیگی به منزله وزیر دادگستری بوده و نسبت به کلیه دعاوی حقوقی و جزایی در سراسر مملکت، اختیار تام داشت و فقط شاه می توانست مانع اجرای دستورهای وی شود. دیوان بیگی همچنین نقش دادستان کل را نیز بازی می کرد و در هرگوشه ای از ایران اگر جنایتی مهم اتفاق می افتاد، در صورت اطلاع می توانست طرح دعوا نماید. همچنین در مراسم و تشریفات دربار نیز شرکت می کرد و در این رهگذر نقش مهمی بازی می کرد. (ساکت، ۱۵۵، ۱۳۸۲-۱۹۵) می توان گفت در این دوره دادگاههای عرفی به نحو چشم

گیری، صلاحیت و قدرت دادگاههای شرعی را تقلیل دادند و به طور خلاصه همه پرونده های کیفری از صلاحیت دادگاههای شرعی بیرون شد. دیوان بیگی در دوره قاجاریه به امیر دیوان تغییر نام داد. در دوران افشاریان نهاد دادرسی به سرایشی افتاد و سازمان پیشین خود را از دست داد و زندیه نیز چندان مجالی برای بهبود وضع نهاد دادرسی نیافت. در دوران قاجاریه نیز نه تنها وضع بهتر نشد که این نهاد به سستی و کژی هم گرایش پیدا کرد. البته در راستای بهبود وضع نهاد دادرسی در این دوره، امیر کبیر اقداماتی انجام داد اما این کوششها به جایی نرسید و با پذیرش کاپیتولاسیون و هیچ شمردن استقلال قضایی از سوی دولتهای بیگانه و بیگانه پروران مزدور آنها، نشانی از دادگری و استقلال دادرسی و امنیت قضایی - اجتماعی نماند. این روند پس از مشروطه نیز ادامه داشت و در دوران پهلوی دوم، نه تنها استقلال قضایی که استقلال سیاسی - اقتصادی کشور نیز به باد رفت. (ساکت، ۱۳۸۲، ۱۹۱)

پس از انقلاب اسلامی ایران وضعیت دستگاه قضایی کاملاً تغییر کرد و یکی از مهم ترین دستاوردهای انقلاب اسلامی در این حوزه، استقلال قوه قضاییه در کنار قوای مجریه و مقننه است. به عبارت دیگر تشکیل قوه مستقل قضائیه در جهت پشتیبانی از حقوق فردی، اجتماعی و همچنین تحقق بخشیدن عدالت در جامعه اقدامی اساسی بود که پس از انقلاب صورت گرفت. قبل از انقلاب اسلامی وزارت دادگستری و در راس آن وزیر دادگستری به عنوان بخشی از کابینه دولت محسوب می شد که تغییر این وزارت خانه به قوه قضاییه ناشی از اهتمام واضعین قانون اساسی در اهمیت بخشیدن به دستگاه قضایی است که از دو قوه دیگر بویژه قوه مجریه مستقل باشد. همچنین ریاست این قوه با توجه به شرط اجتهاد و همچنین اختیارات ویژه ای که طبق اصل ۱۵۶ و ۱۵۷ قانون اساسی برخوردار است از یک جایگاه ویژه ای برخوردار است و اگرچه استمرار و ادامه منصب قاضی القضاة است که پیش از این به بیان آن پرداختیم اما می توان گفت از لحاظ استقلال و همچنین اختیارات جایگاه بالاتری داشته و با توجه به اتکاء آن به قانون اساسی، از ثبات بیشتری برخوردار است.

منابع

- ابن الأثير، أبو الحسن، اللباب في تهذيب الانساب، بي نا، بي جا، بي نا.
- ابن خلكان، وفيات الاعيان، بي نا، بي جا، بي نا.
- ابوعبدالله شمس الدين الذهبي، تذكرة الحفاظ، ٤ ج، دار إحياء التراث العربي - بيروت - لبنان.
- حسن ابراهيم حسن، تاريخ الاسلام، نشر دار الجيل بيروت، ١٤٢٢ هـ ق.
- الخطيب البغدادي، أبي بكر أحمد بن علي بن ثابت، تاريخ بغداد، ج ١٣، ص ٤٠٣، دار الغرب الإسلامي، بن نا.
- الزحيلي، محمد، تاريخ القضاء في الاسلام، بيروت، دارالفكر المعاصر، ١٩٩٥ م.
- ساكت، محمد حسين، دادرسي در حقوق اسلامي، نشر ميزان، چاپ اول، بهار ١٣٨٢، تهران.
- السيوطي، تاريخ الخلفاء، بي نا، بي جا، بي نا.
- علي اكبر، دهخدا، لغت نامه دهخدا، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، بهار ١٣٧٣.
- محمد بن خلف بن حيان، أخبار القضاة، ج ٣، بيروت - عالم الكتب.
- محمد شبارو، عصام، القضاء والقضاة في الاسلام، دارالنهضة العربيه، بيروت، ١٩٨٣ م.
- محمد شبارو، عصام، قاضى القضاة فى الاسلام، دارالنهضة العربيه، بيروت، ١٩٩٢ م.
- مصاحب دايره المعارف غلام حسين مصاحب، ج ٢، ص ١٩٨٨، انتشارات فرانكلين و شركت سهامى كتابهاى جيبى، ١٣٥٦ هـ ش.
- هندوشاه بن سنجر بن عبدالله صاحبى نخجوانى، به تصحيح عباس اقبال، و توفيق سبحانى، كتابخانه طهورى، تهران، ١٣٥٧ هـ ش.
- يارشاطر، احسان، دانش نامه ايران و اسلام، واژه ابويوسف، بنگاه ترجمه و نشر كتاب، تهران، ١٣٥٧ هـ ش.

http://en.wikipedia.org/wiki/Lord_Chancellor

http://en.wikipedia.org/wiki/Lord_Chancellors_Department

<http://www.britannica.com/encyclopaedia/EBchecked/topic/lord-chancellor>

http://www.historylearningsite.co.uk/lord_chancellor.htm

http://www.justice.gov.uk/search?collection=moj-matrix-dev-web&form=simple&profile=_default&query=Lord+Chancellor

<http://www.parliament.uk/site-information/glossary/lord-chancellor/>